

آیت الله رشاد در پنجمین جلسه درس خارج فقه مهندسی ژنتیک مطرح کرد:

## **اهمیت روش‌شناسی تولید مساله و ساختاربندی فقه / منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه زیست‌فناوری.**

### **اشاره:**

آنچه پیش روی خوانندگان ارجمند قرار دارد، سلسله مباحثی است برگرفته از دروس خارج فقه آیت الله رشاد که تحت عنوان «فقه مهندسی ژنتیک و جنگ بیولوژیک» (فقه التكنولوجيا الحيوية و الحرب البيولوجية)، هفت صبح روزهای زوج هفته، در مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضای تهران ارائه می‌شود. این دروس بصورت برخط (آنلاین) از طریق شبکه ایشیا (مدرسه فقاہت) قابل دریافت است. (روش اتصال به شبکه در پایگاه رسمی استاد، توضیح داده شده است)

ضمناً صوت و متن دروس نیز در پایگاه رسمی آیت الله رشاد، پایگاه رسمی حوزه امام رضا (ع)، کانال آیت الله رشاد و کانال حوزه علمیه استان تهران، در شبکه‌های ایتا، سروش و بله، برای استفاده فضلا و طلاب عزیز متناوباً بارگذاری می‌شود.

### **بسم الله الرحمن الرحيم**

## **اهمیت روش‌شناسی تولید مساله و ساختاربندی فقه.**

طبق ترتیب چارچوب ساختاری‌ای که برای فقه زیست‌فناوری پیشنهاد کرده بودیم، در جلسه امروز بنا داریم راجع به منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه زیست‌فناوری (منهجية تفریع فروع فقه التكنولوجيا الحيوية و تفصیل مسائلها) بحث کنیم.

هم مساله «تفریع فروع» کار دقیق و دشواری است. هم «دسته‌بندی» و «طبقه‌بندی» فروع تولید شده و تبدیل انباشت مسائل، به یک سامانه معرفتی منطقی منسجم کار سخت و سنگینی است. از خصوصیات بعضی از آثار فقهی باز مانده از سلف صالح (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) آن است که به برکت ذهن ذکاء و فکر فعال و جوال خود ذیل ابواب فقه بطور شگرف و گسترده‌ای فروع و

فروض تولید کرده اند، و دیگران که پس از آنها می آیند همان فروع گسترده را مبنا قرار دا ذیل آنها رای خویش را ارائه می کنند. مثلاً از جمله امتیازات و خصوصیات "عروه الوثقی"ی فقه سترگ یزد (رضوان الله تعالی علیه) که محور حاشیه ها و تعلیقه های بزرگان و متن و مجور دروس خارج فقه های پس از سید قرار گرفته است کثرت فروعی است که ایشان ذیل هر یک از ابواب ابداع فرموده است. امتیاز این کتاب فوق العادگی ساختاری یا جامعیت ابواب آن نیست، عروه الوثقی، نه کتاب جامعی است، نه ساختار ممتاز و خاصی دراد. عروه الوثقی از میان پنجاه و دو یا هفتاد و دو باب رایج در تبویب فقه، مجموعاً شامل هفده باب است. هنر مرحوم سید، در این بوده که فروع فقهیه ذیل هر باب را خوب استقراء و به طور نسبی کامل استقصاء فرموده است. کما اینکه به لحاظ ساختار بندی و تبویب ابواب فقه، کتاب شریف «شرایع الاسلام» محقق حلی (رضوان الله علیه) نسبت به آثار قبل از خود، بلکه تا قرن های متمادی بعد از تالیف آن، از امتیازات فوق العاده ای برخوردار بوده است. لهذا خیلی از فقه های بزرگوار ما پس از محقق، در ساختار آثار تالیفی خود از ایشان تبعیت کرده اند. زیرا می دیدند اگر بناست مسائل ابواب مختلف فقه را با یک سیر و ساختار منطقی و منسجم طرح و تعقیب کنند، شرایع در حد مطلوب - بلکه در حد اعلی - از چنین ساختاری برخوردار است؛ بنابراین، غالباً مایل بودند آثار تألیفی تفصیلی خود را بر مبنای ساختار شرایع انجام دهند. بعد از شرایع محقق حلی، غالب کتب فقهی ما، حتی تفصیلاتی که هر یک به ده ها جلد هم بالغ می شوند تحت تأثیر الگوی تبویب شرایع قرار داشته است.

### دشواری تفریع و تبویب مباحث فقهی جدید.

لهذا عرض می کنیم: مسئله تفریع فروع، تفصیل مسائل و تبویب فروع تفریع شده و مسائل تولید شده در قالب یک سامانه ی منسجم و منطقی در یک بخش جدید فقهی - مانند فقه زیست فناوری - که فاقد پیشینه است و اثری درباره آن وجود ندارد که تفریع و فروع پرداخته و ساختار بندی کرده باشد تا بتوانیم از آن الگو گیری کنیم، بسیار بسیار امر دشوار و حوصله سوزی است؛ بدین جهت بناچار، باید اول به ارائه منطق مناسب برای حل این دو مسئله (تفریع فروع و تبویب ابواب) پردازیم ، سپس به تفریع و تفصیل و تبویب آن اهتمام کنیم. به این جهت، در این جلسه منطق تفریع فروع و تفصیل مسائل «فقه مهندسی ژنتیک» را ارائه می کنیم در جلسه بعد نیز به پیشنهاد منطق تبویب و ساختار بندی آن می پردازیم.

## ملاحظات هفتگانه برای تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه مهندسی ژنتیک

به نظر می‌رسد: جهت تنظیم منطقی مناسب برای تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه مهندسی ژنتیک، باید بر اساس ملاحظات هفتگانه‌ای که عرض می‌کنیم عمل کرد. چنان که در جلسه‌ی بعد عرض خواهیم کرد، این منطق به عنوان رکن رکن تبویب و ساختاربندی (دسته‌بندی عرضی/افقی و نیز طبقه‌بندی طولی/عمودی) فقه زیست‌فناوری نیز نقش آفرینی می‌کند.

ملاحظات هفتگانه تفریع فروع و تفصیل مسائل فقه مهندسی ژنتیک، عبارتند از:

ملاحظه اول) لحاظ «مبانی نظری» و معرفتی مرتبط با بیوتکنولوژی (قواعد فلسفی و کلامی) و «قواعد اخلاقی و ارزشی» مرتبط با زیست‌فناوری، و «قواعد فقهیه» مرتبط با آن، و اشاره اجمالی نقش اقتضائات این سه دسته از مبانی و قواعد در احکام مربوط به این حوزه فقهی.

ملاحظه دوم) نظرداشت ابعاد و عرصه‌هایی که مهندسی ژنتیک در زمینه‌ی معرفت و معیشت بشر معاصر مؤثر افتاده است.

در جلسات قبل پانزده عرصه و ساحت را که زیست‌فناوری امروز با آنها پیوند دارد مطرح کردیم، ۱- المجالات العلمیّه (عرصه های علم و دانش) ۲- «المجالات المعرفیه» (عرصه‌های معرفتی و شناختی)، ۳- المجالات العقّدیّه و الکلامیه (عرصه‌های عقیدتی و الهیاتی)، ۴- المجالات الاخلاقیّه (عرصه‌های اخلاق و ارزش‌های متعالی)، ۵- المجالات القضائیه و الجزائیه (عرصه‌های قضایی و جزایی)، ۶- المجالات الاجتماعیه و الثقافیه (عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی)، ۷- «المجالات الصحیه و الطبیّه» (عرصه‌های بهداشتی و درمانی)\*، ۸- «المجالات الصيدلانیّه و الدوائیه»، (عرصه‌های داروسازی و تولید مواد بهداشتی و زیبایی)، ۹- «المجالات الزراعیه»، (عرصه‌های کشاورزی) ۱۰- «المجالات الغذائیه» (عرصه‌های تولید مواد غذایی) و ذیل آن مسائل تراریخته‌ها، ۱۱- «المجالات البیئیه» (عرصه‌های مربوط به محیط زیست)، ۱۲- «المجالات الصناعیه» (عرصه‌های گوناگون صنعتی) و صناعی که ذیل مهندسی ژنتیک پدید آمده و در حال توسعه است، ۱۳- «المجالات الاقتصادیه و التجاریّه» (عرصه‌های گوناگون اقتصاد و تجارت) که مهندسی ژنتیک بر آن تأثیر چشمگیر نهاده و همچنان در حال بسط و توسعه است، ۱۴- «المجالات الامنیّه» (ساحات و عرصه‌های امنیت)، مهندسی ژنتیک با مسائل امنیتی بشر و کشورها و دولت‌ها امروزه پیوند خورده و تأثیرات

فوق‌العاده‌ای بر آن دارد، ۱۵- «المجالات العسكرية و العدائية» (عرصه‌های تولید سلاح‌ها و جنگ‌آوری بیولوژیک)، کاربردهای نظامی فراورده‌ها و فرآیندهای زیست‌فناورانه.

این پانزده مجال و محور، ابعاد و عرصه‌هایی است که زیست‌فناوری با آنها درگیر است. این عرصه‌ها می‌تواند محور و بستر اصلی مباحث فقه مهندسی بیولوژیکتلی شود. به این معنا که فصول اصلی فقه مهندسی ژنتیک را مبتنی بر این پانزده محور تنظیم کنیم.

### **کیفیت تفصیل و توسعه‌ی فروع و مسائل فقهی مهندسی ژنتیک**

ملاحظه سوم) سپس، ذیل هر یک از این فصول انواع و مصادیق هر محور احصاء شود، بعد از آن نیز اقسام و اجزاء هر کدام از آن انواع استقصاء شده، آنگاه فروع و فروض و مسائل آن قسم بررسی فنی قرار گرفته حکم آن طبق ادله ارائه گردد. فرض بفرمایید ذیل فصل «مجالات طبیئه و صحیه» (بهداشت و درمان) می‌توانیم هر کدام از اقسام موجودات زنده (نبات، حیوان و انسان) مورد بحث را موضوع بخشی از این فصل قلمداد کرده سپس به تفریع فروع، و تشقیق شقوق در ذیل آن پردازیم و سپس با طرح و تفصیل مسائل به تدریج انباشتی از فروع را تولید کنیم و بدین سان احکام هر فصل و بخش مورد بررسی قرار گیرد. تفریع و تفصیل در ذیل هر یک از گونه‌های زنده نیز می‌تواند به ملاحظه جهات مختلفی فراچنگ آید، مثلاً پس از حکم اولی برای تفریع فروع و تبویب مباحث فقه مهندسی ژنتیک، که عبارت بود از توجه به حضور و تأثیر مهندسی ژنتیک در عرصه‌ها و ساحات مختلف، ملاحظه و جهت دومی که باید ملحوظ داشته شود و تأثیر آن را به عنوان یک ملاک و مبنا برای تفریع فروع لحاظ کنیم، شاخه‌های هر یک از این عرصه‌ها و ساحات است. هر یک از این عرصه‌ها، شاخه و شعبه و به اصطلاح اقسامی دارد. می‌توانیم آن اقسام را لحاظ کنیم. فرض بفرمایید در عرصه اول، یعنی علم و دانش، اینکه علم و دانش تحت تأثیر مهندسی ژنتیک به چه شاخه‌ها و رشته‌هایی می‌تواند تقسیم شود. ذیل این باب، انواع شاخه‌ها و رشته‌های علمی و دانشی مرتبط که استعداد آن را دارد تا پاره‌ای سوالات فقهیه درباره آن مطرح شود و فروع فقهیه تولید شود و نیاز به بحث اجتهادی و فقهی داشته باشد را می‌توان فهرست کرد. در نتیجه عنوان باب، حسب فروع، شاخه‌ها و رشته‌های آن، می‌تواند به ابواب و بخشهای خردتری تقسیم شود. فرض بفرمایید باید ببینیم علم و دانش که اولین عرصه بود، به حوزه انسان، حیوان، نبات یا آن دسته از عناصر مشتق از آنها که حی به حساب نمی‌آیند مربوط می‌شود. عناصری که در واقع جنبه و زنده نیستند، اما به

نحوی از اجزاء عناصر زنده هستند و مثلاً می‌تواند با یک جهش تبدیل به موجود زنده شوند. مثل کرونا و ویروس که یک موجود فوق‌العاده ریز غیر زنده است. پروتئینی است که در یک پوشش چربی قرار دارد. اما وقتی همین عنصر ریز غیر زنده، در محیط خاصی مثل ریه قرار می‌گیرد، جهش پیدا کرده، خاصیت زیستی پیدا می‌کند. فعال می‌شود و احیاناً آثاری بر حیات انسان بر جای می‌گذارد.

هر کدام از این زیرمجموعه‌ها را موضوع یک زیرفصل قرار می‌دهیم و فروعی را ذیل آن بحث می‌کنیم. مثلاً در محور زیست فناوری پزشکی، فروع معطوف به مسائل انسان، یا حیوان، یا نبات یا ما دون آنهاست جداگانه لحاظ می‌کنیم. و به این ترتیب این باب را به اجزا و بخش‌های خردتر تقسیم می‌کنیم. این هم ملاک سوم که در واقع هر باب یا هر یک از عنوان‌های مربوط به عرصه‌های پانزده گانه را می‌توانیم خرد کنیم و برایش اجزاء و بخش‌هایی فرض کنیم. سپس آن بخش‌ها، اجزاء و به اصطلاح شاخه‌ها را به مثابه یک محور فرعی، در لایه و سطح دوم فصل مربوط فرض کنیم و ذیل آن سوالات فقهی را مطرح کرده، پاسخ ارائه نماییم. ملاحظه‌ی دوم و سوم که عرض شد بر اساس موضوع بود.

### نقش نوع فعل صادر از مکلف در تفریع فروع فقهی

ملاحظه چهارم) این ملاحظه بر اساس فعل صادر از مکلف است. مکلف چه کاری بر روی متعلق مهندسی ژنتیک انجام می‌دهد؟ به هر حال، مکلف در حوزه علم و دانش و ذیل آن، مثلاً علم و دانش مرتبط با انسان، حیوان، نبات یا ما دون حیوان چه کاری انجام می‌دهد؟ می‌شود احتمالات گوناگونی را مطرح کرد که معطوف به آن فرع از آن عرصه از انسان می‌تواند صادر شود. گاهی افعال صادر، به صورت گزینه‌های هم عرض و موازی قابل فرض است. مثال ساده ای می‌زنم. فرض کنید می‌گوییم تصرف در درخت با استفاده از مهندسی ژنتیک و اعمال فرآیندهای زیست فناوریانه می‌تواند در ساده‌ترین وجه، برای تکثیر یک نوع از گیاه یا درخت به چند شکل صورت پذیرد. مثلاً بشر در وهله اول در دوره‌های حیات بدوی خود، می‌دید فلان درخت در فلان منطقه از زمین روید. آرام آرام پی برد، علت رویش این درخت جدید، این بوده که مثلاً هسته‌ای از آن نوع درخت روی زمین قرار گرفته، شرایطی برایش به وجود آمده، مثلاً خاک رویش ریخته شده دما دیده، رطوبت به او رسیده و سبز شده است. سپس پی برد می‌توان هسته این درخت را در نقاط و شرایط

مناسب و مساعد قرار داد و درخت جدیدی رویاند. این یک شیوه تکثیر درخت است. بعدها حیوانات متوجه شد می شود از یک گزینه دیگر برای تکثیر درخت استفاده کرد. می توان از گزینه قلمه زدن استفاده کرد و رفت این را تجربه کرد. این دو جور فعل است که از زارع صادر می شود. باید ملاحظه شود حکم این دو نوع فعالیت کشاورز برای تکثیر این نوع از درخت تفاوت می کند؟ بسا در مواردی بتوان گفت یک گزینه مجاز، و گزینه دیگر مجاز نیست. این مسئله ممکن است در خصوص مثال هایی که مربوط به انسان و حیوان است مصداق بیشتری پیدا کند. می خواهم عرض کنم یکی از ملاحظات آنکه باید در نظر داشت مسئله فعلی است که از انسان به عنوان "عامل" در فرآیند زیست فناوری و مهندسی ژنتیک صادر می شود. یکبار این فعل به لحاظ گزینه های موازی و هم عرض قابل فرض است که چند گونه فعل از انسان صادر می شود، ولی همه در یک رتبه و سطح هستند و هم عرض قلمداد می شود، و گاهی نسبت انواع فعل صادر از انسان نسبت طولی و تشدید (از حالت ساده به پیچیده) است. طبقه بندی فعل صادر، از حیث طولی می تواند مورد نظر باشد. اینکه در فرض قبلی می گفتیم فعل صادر می تواند براساس گزینه های مختلفی صورت بپندد، که هم عرض هستند.

### **تأثیر ساده یا پیچیده بودن فعل در ساده یا پیچیده شدن حکم فقهی**

الان می خواهیم بگوییم ما به حیث طولی توجه کنیم. اینکه فعلی که از انسان صادر می شود، به لحاظ طولی در چه رتبه ای قرار دارد. چون ممکن است فعل زیست فناوریانه و مهندسی ژنتیک، در یک مجال و عرصه ای، در یک صورت بسیار ساده و اولیه، صادر شود و یک حکم داشته باشد. بعد پیچیده و پیشرفته تر بشود و حکم دیگری داشته باشد. به همین منوال رفته رفته پیچیده تر شود. حتی ممکن است هر چه پیچیده تر شدن، بتواند در حکم فروض پیچیده تأثیر داشته باشد. مثلاً ما وقتی از صورت های ساده زیست فناوری و مهندسی بیولوژیک در گیاه استفاده می کنیم، ممکن است بگوییم اشکالی ندارد. اینکه قلمه بزنیم چه عیبی دارد؟ یک نوعی از یک درخت که دو گونه دارد، جنس خوب از یک درخت را در جایی قلمه بزنیم یا حیواناتاً جوانه یک درخت دیگری را روی شاخه آن درخت پیوند بزنیم. این صورت های اولیه هیچ ایرادی ندارد. مثلاً در حیوان، نطفه یا اسپرم قسم خاصی از نوع حیوانی تلقیح کنیم. بگوییم تلقیح حیوان هیچ اشکالی ندارد. یا بر اساس تناکح دو نوع حیوان، مثلاً فرض کنید اسب و الاغ، ما نوع دیگری از حیوان را تولید کنیم و قاطر به وجود

بیايد. ممكن است بگويم در اين حدود هيچ اشكالي ندارد و مباح و مجاز است. اما پيشتر كه برويم، ممكن است بعضى از تصرفات و تطبيقات به اصطلاح وراثى و بيولوژيك انجام شود كه گفته شود مجاز نيست. به اصطلاح فرض هاى پيشرفته تر و احياناً وسيع ترى به ميان بيايد. مثلاً گفته شود روى سلول هاى بنيادين نبايد كار كنيم. نبايد از رهگذر باز پرورى و فرا آورى سلول هاى بنيادى و استنساخ و مشابه سازى، حيوانى را بدون پدر و مادر به وجود بياوريم. ممكن است كسى بگويد صورت ساده استفاده از تناكح دو حيوان و متولد كردن نوع سوم اشكالي ندارد. اما اينكه بخواهيم در قالب استنساخ حيوانى را به عرصه وجود بياوريم، اين ممكن است اشكال داشته باشد. من اين را به عنوان احتمال دارم عرض مى كنم و الان در مقام رأى دادن نيستم. مى خواهم بگويم در حوزه مهندسى ژنتيك به چه نحوى مى توانيم فروع فقهي مختلف را توليد كنيم. يكي از جهاتى كه بايد در نظر گرفت و اعمال كرد، ملاحظه سطح تصرف و دخالتى است كه در فرآيند زىستى انجام مى دهيم. چه مقدار تصرف كنيم؟ تا كجا مى توانيم تصرف كنيم؟ ممكن است كسى بگويد اين جهات در حكم تأثير دارد. اينكه مثلاً كسى با تناكح دو حيوان، حيوان سومي به وجود بياورد اشكالي ندارد. اما با فراورى سلول هاى بنيادى اشكال دارد. حتى مثلاً ممكن است گفته شود فراورى سلول بنيادين حيوانى، اشكال ندارد و از آن منع نكنيم. اما فراورى سلول بنيادين انسانى ممنوع باشد. اين جهات مى تواند در حكم كار مهندسى ژنتيك و زىست شناس تأثير بگذارد.

### **تأثير سودمندی و زیانوری فراورده‌ی زیست فناورانه در حكم فقهي آن**

ملاحظه پنجم) ملاحظه پنجمى كه بر اساس آن مى توان فروعى توليد كرد، اقسام مصنوعات، فراورده ها و محصولاتى است كه بر اثر اعمال فرآيندهاى زىست فناورانه و تطبيقات و تعديلات، در چارچوب تكنولوژى زىستى به دست مى آيد. خب اينكه شما با استفاده از علم الأحياء و با استخدام مهندسى ژنتيك فرآيندى را اعمال مى كنيد و محصولى به دست مى آوريد، باز ممكن است با طى يك فرآيند، يك محصول ديگرى حاصل شود. ممكن است محصولاتى كه بدست مى آيند و نوع محصول، در حكم اقدام و استخدام و طول فرآيند تأثير بگذارد. مثلاً يك بار با طى فرآيندى، «ابزارهاى جنگى مهلك» و بار ديگر «ابزارهاى مورد نياز حيات عادى بشر» را توليد مى كنيد. نمى شود گفت اين دو گونه محصول و فراورده، كه امروزه به وجود آمده، در دسترس ما قرار گرفته و حاصل طى فرآيند زىست فناورانه است، حكم واحدى دارند. قهراً اين ها مى توانند متفاوت

باشند. فرآیند طی می‌شود که اثر زیانبار برای انسان ندارد، و گاه فرآیندی طی می‌شود که انبوهی از موجودات زنده را تولید می‌کند و خود این برای انسان، حیات حیوانات یا نباتات عوارضی دارد. یا نمی‌توانیم آن را مدیریت کنیم. خب این یک حکمی دارد. اما مثلاً وقتی فرآیندی طی می‌شود، به‌اندازه فرآورده محصول بدست می‌دهد و هیچ عوارضی از این جهت به لحاظ کمیت فرآورده‌ها بر آن مترتب نیست. ممکن است حکم این دو مسئله با هم متفاوت باشد. این فرض مربوط به نسبت اثر فعل به انسان بود، (یعنی از جهت فائده مندی و زیان‌وری محصول و فرآورده بود)

احیاناً می‌توان بر حسب اثر فعل زیست‌شناس بر موجود متعلق طی فرایند زیست‌فناورانه را در نظر گرفت؛ یعنی از جهت فائده مندی و زیان‌وری را نسبت به خود محصول و فرآورده در نظر گرفت، که البته خود این هم ملاک و ملاحظه مهمی است؛ گاهی این جهت که یک فرآیند زیست‌فناورانه طی می‌شود و لطمه با آن موجود زنده وارد می‌شود یا موجود ناقص الخلقه‌ای به وجود می‌آید، این ملاحظه نیز در تفریع فروع و تفطیل مسائل دخیل است.

### **فاجعه‌ی جوجه‌کشی بیرحمانه**

مسئله‌ای که مع الاسف اخیراً در فضای مجازی مطرح و دست به دست شد. طبقاتی از جامعه به آن اعتراض کردند. عواطف را به حق جریحه‌دار کرد و به مثابه یک فاجعه قلمداد شد، اینکه تصاویر دردناکی از صحنه معدوم کردن انبوهی از جوجه‌هایی ماشینی یک روزه پخش شد و کارگران و عواملی، آنها را بی‌رحمانه معدوم می‌کردند، خب آیا این قابل مطالعه نیست؟ این قضیه دو وجه دارد: حیث تاثیر بر حال انسان و حیث تاثیر بر حال موجود دستگیری شده؛ از هر دو جهت موضوع قابل بحث فقهی است. برخی خیال می‌کنند حیوان حق حیات و سلامت و آسایش و آرامش ندارد! لهدا غالب حقوق‌دانان می‌گویند: سلب حیات و سلامت و آسایش و آرامش از حیوان مانعی ندارد! به نظر ما از نظر فقه اسلامی حیوانات دارای این حقوق هستند.

فاجعه‌ای -من با توجه دارم تعبیر فاجعه می‌کنم- پیش چشم میلیون‌ها نفر قرار گرفت و دیدیم بر اثر یک رفتار غلط، با بی‌رحمی تمام، انبوهی از موجودات زنده دارد معدوم می‌شود. خب توجیهی هم مطرح شد که از جنس «عذر بدتر از گناه» بود. این رفتار اگر ادعا نکنیم از جهت سلب حیات از موجودات زنده به لحاظ فقهی و شرعی حرام و معصیت هست و احیاناً حکم وضعی دارد، مسلماً از لحاظ عاطفی و اخلاقی (از حیث تاثیر بر انسان) مذموم بود. خب از آن طرف توجیه شد که این



روالی عادی است. ما مازاد جوجه‌هایی که تولید می‌کنیم را به همین راحتی و با همین بی‌رحمی نابود می‌کنیم. این کار روزمره ماست. این اصلاً توجه‌درستی نبود و مشکل را حل نکرد. عذری بود بدتر از خود گناه. حالا گرچه این نکته‌ای که عرض می‌کنم خارج از درس و موضوع بحث ماست، ولی آیا نمی‌شد و نمی‌شود با یک برنامه‌ریزی ساده و فراهم کردن امکانات حداقلی، این جوجه‌ها را روزانه در روستاها، در خانه‌ها رایگان یا با قیمتی بسیار نازلی توزیع کرد و در اختیار مردم گذاشت؟ به این ترتیب این‌ها در منازل، در مزارع بروند و به شیوه بسیار ساده‌ای پرورش پیدا کنند. در این صورت، جان موجودات زنده‌ای را حفظ کرده‌ایم و تخلف اخلاقی و احیاناً فقهی نکرده‌ایم. چون ما روایاتی داریم که کسی حق ندارد از موجودات زنده به غیر حق و نا به جا سلب حیات کند. و این موجودات زنده در قیامت به ساحت الهی از چنین افرادی شکایت و شکوه می‌کنند. احیاناً با توزیع این حیوانات، موادی تولید می‌شود مردم مصرف می‌کنند. بسا کسانی از مازاد تولید این کارخانه‌ها مشاغلی ایجاد کنند، شغل‌های بسیاری به وجود بیاید و افراد بیکار بسیار زیادی مشغول شوند. به هر حال این موضوع می‌تواند و باید مدیریت شود. غرض این بود که مثال بزنیم و بگوییم گاهی حتی اینکه ما به صورت انبوه، با اعمال فرآیندهای زیست‌فناورانه موجوداتی را تولید کنیم که از جهات مختلف اثری بر آن مترتب باشد، این جهت هم می‌تواند به عنوان یکی از ملاحظات در تفریع فروع و تولید انباشتی از سوالات و مسئله‌ها نقش آفرینی کند. به این ترتیب ما فروع فقهی این قسم از فقه را تولید کرده، به بحث راجع به آنها پردازیم.

شاخص‌های دیگری هم هست. ولی از آنجا که وقت سپری شد، فقط اشاره می‌کنم و بحث را در جلسه بعد تکمیل خواهیم کرد. بر اساس این شاخص‌ها برای انباشت فروع فقهیه‌ای که مربوط به این باب باب فقه مهندسی ژنتیک، می‌توان جدولی طراحی کرد. عنصر نافع بودن، مضر بودن، قطعی بودن نفع یا ظنی بودن نفع، حد ضرر و نفع مترتب بر آن فعل، احیاناً حدود به لحاظ کمی و لحاظ کیفی، این‌ها می‌تواند بر تولید فروع ملاحظه شود و حکم ناشی از این نکات و جهات متفاوت شود.

### **نقش «ضرورت یا عدم ضرورت» در حکم فعل زیست فناورانه**

کما اینکه جهت دیگری که می‌تواند در تفریع فروع و تولید حکم مؤثر باشد مسئله ضرورت یا عدم ضرورت و حدود ضرورت است، که می‌تواند در حکم این قضیه مؤثر باشد. مثلاً اگر زیان‌بار است،

آيا ضرورت هايي اقتضا مي كند تن به آن بدهيم؟ حد آن ضرورتى كه قابل فرض است تا كجا و چه قدر است؟ مسئله ضرورات مي تواند در توليد انواع فروض، فروع و احكام مربوط به آن دخيل باشد. اين ملاحظات هفتگانه اي كه عرض شد، عناصرى هستند كه مي تواند ساماندهى شده، منطقي را به وجود بياورد كه به عنوان منطق تفريع فروع و تفصيل مسائل اين حوزه مهم فقهي به كار برود، و بر اساس آن بتوانيم ساختار فقه مهندسي ژنتيك را ارائه كنيم، سپس شروع كنيم فصل به فصل، فروع و مسائل قابل طرح را عنوان كنيم و راجع به حكم آن بحث و گفت و گو كنيم. ان شاء الله.

با توجه به بيان فشرده و شتابزده ملاحظات اخير، متن نوشته ي اين درس (منطق تفريع و تفصيل مسائل فقه زيست فناورى) را مي خوانيم:

### **منهجية تفريع فروع فقه التكنولوجيا الحيوية و تفصيل مسائله:**

فقد تشكل هذه المنهجية عن عدة جهات و ملاحظات، نشير الى مهامها طباقاً. فقد تشكل هذه المنهجية عن عدة ملاحظات، نشير الى مهامها طباقاً:

**الأولى:** ملاحظه ما ترتبط بالتكنولوجيا الحيوية و فقهها من «المبادئ النظرية» (الفلسفية و الكلامية)، و «القواعد الأخلاقية» (الأصول/الضوابط القيمية) و «القواعد الفقهية»، و التلويح العابر إلى دور كل واحد من هذه المبادئ و الأصول و القواعد فى احكام مجالات فقه التكنولوجيا الحيوية، قبل الخوض فى البحث عن فروع تلکم المجالات و مسائلها.

**الثانية:** احصاء المجالات التى ترتبط بها التكنولوجيا الحيوية (و هى التى قد اشرنا الى اهمها آنفا)، و هى تُعتبر كالمحاور الأساس لتبويب بحوث هذا الحقل الفقهي.

**الثالثة:** ثم احصاء أطراف كل من تلکم المجالات و حقولها الأصلية و استقصاء فروعها بالكامل (كمثل ما يرتبط بالإنسان تارَةً، او الحيوان أخرى، او النبات ثالثَةً، او مشتقات الكائنات الحية حيتّها و غير حيتّها) التى تتعلق بها هذه التقنيّة رابعةً، ذيل المجالات الطبيّة مثلاً، و تنسيق الأطراف و الحقول ذيل المجالات حسب كل منها كجدولة تختصّ به.

**الرابعة:** ثم لحاظ انحاء التعديلات التى تقع فى الكائنات الحية، و مراتب الحالات الطارئة على كل منها حسب انحاء التعديلات: كتركيب الساذج بين شيئين من دون أى تغيير و تبديل فيهما تارَةً، و

كنقل جين الى الغير لإحداث وصف فيه كان يفتقده أخرى<sup>١</sup>، و كمزاج البعض مع آخر بحيث يغير صورتها النوعية (كإيلاد حيوان ذات الوراثة: مثل البغال) ثالثاً، و تغيير مبادئ تكوين الشيء و انماطه كإيلاد الحيوان من غير النطفة و النكاح بواسطة تكثير عنصر حي (الخلايا الجذعية) رابعاً، و ما الى ذلك.

**الخامسة:** ثمّ لحاظ انواع المصنوعات التي تحصل من التقنيات و التعديلات هذه (مثل آلات الحرب، او آليات العيش، او ...) و جهة النتائج النافعة أو الضارة المترتبة على المصنوعات، و حدود الضرر او النفع، من حيث الشدة و الضعف، و من جانب القطعية و غير القطعية، و من جهة الكمية و الكيفية.

**السادسة:** ثمّ لحاظ الغايات المقصودة من التقنيات و التعديلات، و الضرورات الطارئة عليها حسب الموارد، و دور إرادة المكلفين في ما يقع من الأفعال في تلکم الجهات.

**السابعة:** استظهار/اصطياد ما يتعلّق من الأحكام الخمسة التکليفية بالنحو الأولى او الثانوى (و هكذا الأحكام الوضعية التي ترتبط بالمجالات حسب الموارد)، وفق المبادئ و القواعد و الأدلة، بملاحظة «المجالات و اطرافها» تارة، و «انحاء التعديلات» (وفق ماهية الفعل) أخرى<sup>١</sup>، و «انواع المصنوعات» و مضارها و منافعها (باعتبار ذاتها او الطوارئ العارضة عليها و الجهات المحتملة حسب الموارد) ثالثاً، و «الغايات المقصودة» و «الضرورات الطارئة» رابعاً .

وصل الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين